

سخن سردبیر

از شناخت تا زبان

در چند دهه گذشته نقش محوری شناخت و آگاهی در رشد و شکل‌گیری زبان مورد توجه جدی دانشمندان بزرگی از جمله جرج لیکاف، جرال دلمن و فریدمن پولورمولر قرار گرفته، تا جایی که این مهم به عنوان اساس رویکردهای نوین در مطالعات عصب-شناختی زبان شناخته می‌شود. در این میان، می‌توان به مطالعاتی اشاره کرد که با بررسی تعاملات دوسویه زبان و شناخت نشان داده‌اند پردازش و بازنمایی برخی از بخش‌های نحوی و معنایی زبان با دیگر فعالیت‌های شناختی اعم از موسیقی، ریاضیات و به ویژه ساختار برخی از اعمال روزمره ما همپوشانی‌های عصبی-عملکردی چشمگیری دارند. یافته‌های علمی حاصل از این رویکرد تحقیقاتی، که فراگیری زبان را وابسته به شناخت حسی-حرکتی در بستر محیط اجتماعی-فرهنگی فرد مطرح می‌کند، نویدبخش عرصه‌ای نو در مطالعات زبان است که آموزه‌های ارزشمندی را در به کارگیری روش‌های نوین در آموزش و یادگیری زبان، به ویژه در توان‌بخشی اختلال‌های زبانی به ارمغان می‌آورند.

از این‌رو، در شماره پنجم دوفصلنامه زبان و شناخت در کنار سایر آثار علمی به گردآوری یافته‌ها و آرائه مطالعاتی در خصوص مبانی بدن‌مند زبان پرداخته‌ایم. امید است مشارکت علاقه‌مندان و پژوهشگران این حوزه در بررسی ابعاد مختلف زبان و شناخت، بیش از پیش راهگشای ارتقاء دانش ما نسبت به ماهیت زبان قرار گیرد.

امیرعباس رفیعی فاضل

